

گفتگوئی با یکی از کارگران پروژه ای نفت

کارگران ضد سرمایه داری / آبان ۱۴۰۰

یافت. برخلاف اعتصاب قبل ربطی به مقاطعه کاران و مزدوران آنها نداشت. اما مقاطعه کاران و کارچاق کنان سرمایه و عوامل دولت سرمایه برای ایجاد تفرقه و به شکست کشاندن اعتصاب سراسری هر چه توانستند انجام دادند. سرمایه زمانی که شریان تولید ارزش اضافی متوقف شود یا به خطر بیفتد از سرایت اعتصاب به دیگر بخش های کارگری وحشت می کند واز هیچ جنایتی برای ایجاد تفرقه و شکستن اعتصاب فروگذار نمی کند. در اعتصاب کارگران هفت تپه آنجا که نیروهای سرکوب از پس کارگران اعتصابی بر نیامدند از شورای اسلامی کار و سندیکا برای در هم شکستن عزم توده کارگر استفاده کردند. بدبختانه تحرک و رادکالیسم ضد سرمایه داری که از کارگران اعتصابی انتظار هست، چندان چشمگیر نیست. بر همین اساس و با وجود همین ضعف سرمایه داران بیکار ننشسته و برای ضربه زدن به اعتصاب تمامی راهها را رفتند. از جمله:

۱- گیلانی نژاد در ایجاد تفرقه بین کارگران کوشید، دست در دست صاحبان سرمایه و مقاطعه کاران هر روز به هر تقلائی برای شکستن اتحاد و همبستگی کارگران دست زد، توطئه کرد، به اربابان سرمایه دار خود خدمت نمود و هر روز بیشتر می نماید. او در زمره بدترین مزدوران است.

۲- شورای اسلامی کار و مجمع نمایندگان از کارگران اعتصابی خواستند که کارگران از اعتصاب دست بکشند و به جای آن به نامه نگاری پردازند، از اداره کار و دیگر نهادهای رژیم خواستار تحقق مطالبات خود گردند!! رژیم اخیرا و به طور خاص از زمان شروع رئیس

بعد از سلام واحوال پرسى ، سر درد ودلش باز شد، ابتدا در باره مبارزات گذشته کارگران در کنگان، به ویژه عسلویه صحبت کرد، گفت بعضی از اعتصابات و اعتراضات برای کارگران دست آوردی نداشت که هیچ نتیجه اش ان بود یکی دوتا کارگر (مادر مرده) را اخراج و بلک لیست کردند. واقعیت آنست که آن اعتصابات شروع نشدند تا به دستمزد ها اضافه شود، وضعیت کمپ تغییری نکند، بر تعداد اطاق های کمپ، دست شویی ها و حمام ها اضافه گردد، حداقل چند دستگاه لباس شویی به کمپ های کارگران بدهند یا وضعیت رست (دوره استراحت ماهانه) بهتر گردد. هیچ کدام اینها هدف واقعی گروه خاص نسخه پیچ آن به اصطلاح اعتصاب نبود، انهایی که نسخه اعتصاب تصنعی کنگان را پیچیدند از همه این امکانات بر خوردار بودند. اعتراض توسط مقاطعه کاران با کمک بعضی سرکارگراها و بعضی سوپر وایزرها که دستی در مقاطعه کاری هم داشتند سازماندهی شد. افزایش مبلغ قراردادها هایشان با شرکت نفت یا گرفتن طلب های معوقه خود از شرکت انگیزه اصلی این پیمانکاران در اعتصاب بود. تنها از نیرو و زور کارگران برای رسیدن به اهدافشان استفاده می کردند. بعد از تحقق خواسته هایشان چند تا کارگر رادیکال معترض به کمی دستمزد و کمی زمان رست را هم اخراج نمودند. کارگران برایشان مرغ عروسی و عزا می باشند.

اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای که بعد از اعتصاب کذائی فوق آغاز شد، اعتصابی متفاوت و تجلی واقعی اراده و اهداف کارگران بود. بر محور مطالبات توده کارگر شکل گرفت، پیش تاخت و گسترش

یا به بیان دیگر قدرت طبقاتی متمرکز گردند. نکته ای که بسیار اهمیت داشت و دارد. شورا به کارگران هشدار داد که هر دستاورد اندک خود را دستاورد کل اعتصاب بدانند، در هر گفتگو با کارفرمایان حصول خواست خود را به حصول تمامی خواسته های ضعیف ترین و آسیب پذیرترین لایه طبقه خویش گره زند و موکول سازند. همه اینها تجارب ارزنده اعتصاب سراسری هستند. شورا صد البته کاستی ها و پاشنه آشیل های اساسی هم داشت. به سازماندهی وسیع شورائی سرمایه ستیز کارگران پروژه ای نپرداخت. برای گسترش اعتصاب از بخش نفت به حوزه های دیگر هیچ کوششی نمود، از همه اینها بدتر از آغاز تا پایان «نفت»، «نفت» و باز هم نفت گفت!!، همپیوندی طبقاتی، خواست های مشترک طبقه، همبستگی سراسری کارگران را از یاد برد و هیچ شمرد. کمترین برنامه ریزی برای برقراری ارتباط فعال جنبشی با سایر بخش های طبقه کارگر به عمل نیاورد، همسنجی و همزمی با توده های کارگر در حال اعتصاب و پیکار در حوزه های دیگر کار و تولید را دستور کار نساخت. مزد بالای ۱۲ میلیون تومانی را فقط برای کارگران پروژه ای نفت خواست و راه کارزار برای تبدیل این خواست به مطالبه مشترک سراسری کارگران را پیش نگرفت. شورا هیچ کلامی در مورد ضرورت حیاتی فرا رفتن از افزایش سنار و سی شاهی مردها و گشایش میدان جنگ توفانی برای تسلط بر سرنوشت کار و تولید و زندگی با هیچ کارگری در میان نهاد و موضوع گفتگو نساخت. از هر میزان تلاش برای سازمانیابی سراسری شورائی ضد بردگی مزدی جنبش کارگری دریغ ورزید و با این کار بر ادعای خود به عنوان شورای کارگران بودن مهر تحریف و بطلان کوبید. شورائی بودن اجتماع عده ای کارگر حتی در محدودترین و ابتدائی ترین حالت، هنگامی واقعی، راستین و طبقاتی است که هسته پرخروش، بالنده، جوشان و در حال انکشاف جنبش شورائی ضد سرمایه داری طبقه کارگر گردد. شورا چنین نکرد برای احراز و ایفای این نقش تلاش نمود. با همه این ها آنچه کارگران نفت در طول این چند ماه زیر این نام انجام دادند، گام هائی در راستای ورود به شرائطی نوین برای گشایش میدان تاخت به سوی این اهداف بود. نقد ما بر آنان نقدی از همه لحاظ رفیقانه، سازنده، طبقاتی، شورائی و ضد سرمایه داری است. دست های آنان را با گرمی تمامی می فشاریم.

جمهوری رئیسی به تمامی تلاش های ممکن برای فعال کردن هر چه بیشتر این نهادهای پلیسی درون جنبش کارگری دست یازیده است. بر شمار مزدوران درون نهادها افزوده و دامنه فعالیتشان را وسعت داده است. به موازات تلاش جناح مسلط ساختار قدرت برای فعال شدن این نهادهای سیاه جاسوسی و سرکوب، باندهای دیگر قدرت بورژوازی، به طور مشخص اصلاح طلبان حکومتی نیز بیکار ننشسته و آماده تجدید حیات و سازماندهی عوامل کارگری خود شده اند. اینها مخاطراتی برای جنبش روز طبقه کارگر هستند که باید آماج چالش هشیار توده های کارگر قرار گیرند.

۳- روابط خانوادگی بعضی کارگران با مقاطعه کاران دست دوم، سوم باعث می شد که تعدادی از کارگران با آنها همکاری کنند. این امر هم تا حدی باعث ایجاد تفرقه و گسست در همبستگی کارگران شد. فریب کاری مقاطعه کاران نیز که امر همیشگی آنها است بدون تأثیر نبود. برای آن که کارگران را وادار به ختم اعتصاب کنند، قول افزایش دستمزد می دادند اما زمان پرداخت زیر قولشان می زدند.

۴- پلیس و نیروهای انتظامی همه جا در تعقیب کارگران اعتصابی و همراهان یا کمک کنندگان آنها بودند و هستند.

گفتگو با این دوست کارگر همزمم ادامه یافت. به سهم خویش به عنوان یک کارگر جوشکار بازنشسته به او گفتم که:

شورای سازمانده در بیانیه هایی که داد به درستی راه افشاء تشکلهایی چون شورای اسلامی کار، مجمع نمایندگان و گیلانی نژاد یا سایر عوامل سرمایه در جنبش کارگری را پیش گرفت. همزمان کوشید تا راه خود را از رفرمیست ها نیز کم یا بیش جدا سازد. در برخی موارد دست به ابتکاراتی زد که ارزنده و آموختنی بودند. به طور مثال اینکه در هیچ کجا اعلام ختم اعتصاب نشود و توده کارگر همواره خود را در حالت پیکار و از سرگیری اعتصاب ببیند. شورا در حدی ولو بسیار محدود کوشید تا اعتصابات کارگران مراکز مختلف کار را به هم پیوند زند و این رشته پیوند را حتی الامکان زنده نگه دارد. بارها برای کارگران اعتصابی شاغل در مراکز مختلف توضیح داد و تصریح کرد که در گفتگو با کارفرمایان، به جای تکیه بر هویت کارخانه ای خود، بر روی نقش خویش به عنوان حلقه ای از زنجیره قدرت سراسری اعتصاب جاری